

در این سنگر خانم‌ها هم شهید می‌شوند

فاطمه سلیمی

رئیس کمیسیون بانوان و خانواده
شورای اسلامی شهر مشهد



خانم‌ها همیشه نقش مؤثری در رویدادهای اجتماعی به خصوص جمععاتی دارند که اکنون برگزار می‌شود. تاریخ گواه این است که حضور زنان نوغان در تشییع پیکر امام چه اثراتی بر جو جامعه آن زمان گذاشت. جامعه زنان قبیله بی‌اسد هم دیگر شاهد تاریخی برای حضور زنانه در اجتماع است که پیکر امام حسین (ع) را شجاعانه تشییع کردند. اما در همین رهگذر و در همین روزهایی که پشت سر گذاشتیم، حضور زنان در تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب نیز نمونه‌ای مثال زدنی بود که همراه با همسران و فرزندان خود به میدان آمدند و حضور خود را نشان دادند.

این حضور زنانه بیش از دویست شب است که جریان می‌توالی دارد و آن‌ها سنگر خیابان را حفظ کرده‌اند و حضوری فعال دارند. به نظر من همان طور که یک مادر ۹ ماهه فرزند خود را حمل می‌کند تا به سرانجام برساند اکنون که کشور آبستن حوادثی است، این مادران هستند که در تلاش هستند تا از این موقعیت عبور کنیم، به عبارتی آن‌ها برای جامعه در حال مادری کردن هستند.

در کنار این موضوع صبر و استقامت آن‌ها و اینکه با بچه‌های خردسال خود پای کار می‌آیند، نکته قابل توجهی است که در آن آموزش و آموختن نهفته است. بچه‌ها را می‌آورد تا در همین خیابان‌ها مقاومت و ایثار را یاد بگیرند، ایثار و مقاومتی مادرانه که در همین خیابان‌ها در حال رقم خوردن است. به نظر من سنگر خیابان و تجمعات شبانه محل آموختن درس‌های فراوانی است. زنان با استقامت و پای کار بودن و با حضور خود، هویت ملی، تمدن ایرانی، فرهنگ اصیل، کرامت انسانی و عزت ملی را آموزش می‌دهند. این زنان، زنانی هستند که برای دیده شدن در عرصه‌های بین‌المللی از کرامت خود نمی‌گذرند و حیثیت ملی خود را زیر سؤال نمی‌برند تا جنسیت خود را آشکار کنند! برای او همین کافی است که ذهن و اندیشه‌هایش را به عرصه بیاورد نه جسم و جنس را.

او آنچه به عرصه می‌آورد را هم‌زمان با حضور اثرگذار و مستمر خود به کودک خود و دیگر کودکان نیز آموزش می‌دهد که این هدفی متعالی است. در حادثه اخیر و شهادت زنان میدان نیز ما همین روایت اثرگذار را می‌بینیم. مادر و دختری که در کنار هم به شهادت می‌رسند. یا خانم امینی که خود مادر چهار فرزند بوده‌اند که اتفاقاً خانوادگی در میدان حضور داشتند و دلیل این حضور به حتم مادر خانواده بوده است. روحی از خانواده ایرانی در سنگر خیابان جریان دارد. مادری همراه فرزندش شهید می‌شود و این مسیر را همراه با فرزندش طی می‌کند. در این میان صحبت‌های همسر خانم امینی هم برای من جالب بود که از روحیه خاص این زن و صبوری، فداکاری و فرزندداری او صحبت می‌کرد. از روحیه قناعت در زندگی، مهربانی و خیلی از خصوصیات مثبت دیگر. جالب است کسانی که شهید می‌شوند شهادت گونه زندگی می‌کرده‌اند.

ما این را امروز می‌توانیم ببینیم که در این سنگر خانم‌ها هم برای حفظ ارزش‌ها شهید می‌شوند. در دوران دفاع مقدس و جنگ ایران و عراق درست است که بخش عظیمی از حضور زنان پشت جبهه بود ولی آنجا هم که حضورشان ضروری بود در میدان حضور داشتند ولی در جنگ‌های اخیر حضور زنان پررنگ‌تر و اثرگذارتر بوده و این حضور زنانه با پیروی از دستورات مقام معظم رهبری جریان‌های پیش‌رو را با بصیرت پیش می‌برد.

به حول و قوه الهی امیدوارم که زنان جامعه ما هم فرزندان قهرمان دیگری به این جامعه هدیه کنند و هم کمک کنند تا پرچم به دست این نسل، به دست منجی عالم بشریت امام زمان (عج) برسد. به اعتقاد من این مادرها هستند که سر بلندها را می‌بندند و این تمدن و فرهنگ را از گذشته به دوش کشیده، روایت‌های جدید خلق کرده و به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند.



آرزوی خودمان برسیم و زمینه‌ای فراهم کرده تا حضور حداکثری برای همه فراهم شود. خوشحالم که به عنوان یک زن می‌توانم سرخط جبهه میدان باشم و خیلی‌ها را با پرچم خودم همراه کنم. البته که برای خانواده شهید اصبر از درگاه خداوند مسئلت می‌کنم اما با تمام وجود به آن‌ها و جایگاهی که به دست آوردند غبطه می‌خورم. خیلی از ما می‌گفتیم کاش به جای آن‌ها بودیم و زمانی از این دنیا می‌رفتیم که داشتیم قدمی برای کشورمان برمی‌داشتیم. خانم عطایی هرشب در بولوار وکیل‌آباد، دقیقا ابتدای بولوار هاشمیه می‌نشیند. یک چهارپایه کنار خیابان می‌گذارد و پرچم قرمز یا حسینی که به روضه‌های خانگی اش متبرک است را در دست می‌گیرد و تاجایی که توان دارد، می‌چرخاند. او می‌گوید: اگر دختر و نوه من بودند و به این درجه می‌رسیدند حتما جشن می‌گرفتم. ما که روزی پسرهایمان را به جبهه فرستادیم الان وظیفه داریم دخترهایمان را به این میدان بفرستیم تا یک عده بفهمند زن ایرانی یعنی چه! بفهمند که زندگی در ایران یعنی چه! و بفهمند که اگر روزی برادرهایشان تا مرزها برای مقاومت رفتند حالا دخترها و خواهرهایشان به خیابان می‌آیند تا مشتی محکم به دهان دشمن داخلی و خارجی بکوبند.

می‌ایستم کنار خیابان، چیزی نمی‌گویم، فقط نگاه می‌کنم و با خودم می‌گویم این حماسه را و این بعثت را چگونه می‌توان به تصویر کشید.



شهیدان «محدثه خوش کام» و «حسنایم پنهان اربابی» مادر و دختری بودند که در کنار هم به فیض شهادت رسیدند، شهیده «زهرا امینی نیا» مادری با چهار فرزند که سبک زندگی او نیز مثال زدنی بود. در این حادثه شهید «جواد تیماجی» نیز به جمع شهدا پیوست.

جا ماندن از آن‌ها

در میان حرف‌های خانم‌های حاضر در میدان، حرف‌های پویا پنهان اربابی، همسر و پدر شهدای سنگر خیابان هم شنیدنی و خواندنی است. اومی گوید: افتخار می‌کنم که همسر و دخترم عاقبت به خیر شدند. خوشحالم که جای آن‌ها خوب است و نگرانی برایشان ندارم و این ناراحتی‌هایی که هست برای خودمان است. من جاماندم از آن‌ها و این من